

بررسی عملکرد کمیته ملی پیکار با بی‌سوادی در عرصه‌های بین‌المللی و ملی طی سال‌های ۱۳۴۴-۱۳۵۷

● انیس سجادی^۱

چکیده

کمیته ملی پیکار جهانی با بی‌سوادی در پی تعامل ایران با یونسکو در امر مبارزه با بی‌سوادی با هدف بسیج کلیه نیروها و منابع انسانی و مالی کشور و هماهنگ کردن فعالیت‌های آنها در راه مبارزه با بی‌سوادی در ایران و اجرای هدف‌های مبارزه با بی‌سوادی در سال ۱۳۴۴ تشکیل یافت. بررسی و تحلیل برنامه‌های ملی و همکاری‌های بین‌المللی آن در حوزه سوادآموزی مسئله اصلی این پژوهش است. از این رو، در این مقاله با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی حوزه برنامه‌ها و گستره فعالیت‌های کمیته ملی پیکار با بی‌سوادی بررسی می‌گردد. نتیجه حاصل از این پژوهش آن است که کمیته ملی پیکار با بی‌سوادی کوشید تا با برگزاری کلاس‌های سوادآموزی برای بی‌سوادان و نوسوادان، آموزش و پرورش آموزگاران، تهیه کتاب‌های درسی و غیردرسی برای سوادآموزان و نوسوادان، برگزاری همایش‌ها و نشست‌های ملی و بین‌المللی در زمینه سوادآموزی و پیکار با بی‌سوادی، جلب مشارکت عمومی در امر سوادآموزی و به‌ویژه بهره‌گرفتن از همکاری وزارتخانه‌ها و سازمان‌هایی چون سازمان زنان ایران و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و تعامل و همکاری گسترده با مشاوران یونسکو در جهت پیشبرد برنامه‌های عمرانی در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی به‌منظور رسیدن به توسعه یافتگی گام بردارد و در عین حال، به ایجاد وحدت ملی و تلاش‌های حاکمیت برای نمایش چهره‌ای مترقی از ایران معاصر به‌عنوان حکومتی پیش‌تاز در زمینه اجرای برنامه‌های فرهنگی و پیشبرد تحولات اجتماعی و در پیوند با نهادهای بین‌المللی به‌ویژه یونسکو و دیگر کشورهای جهان یاری رساند. با این حال، سازمان مذکور به دلایلی چند نتوانست به تمامی اهداف فرهنگی و اجتماعی خود دست یابد و همین امر، زمینه‌ساز آغاز طرح جهاد ملی سوادآموزی و بعدها، تشکیل نهضت سوادآموزی شد که در شماره آتی در خصوص نهضت سوادآموزی ارایه خواهد شد.

واژگان کلیدی: کمیته ملی پیکار جهانی با بی‌سوادی، سوادآموزی، توسعه، برنامه‌های عمرانی کشور، یونسکو

۱. کارشناسی ارشد تاریخ ایران در دوره اسلامی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مقدمه

آغاز برنامه‌های سوادآموزی و پیکار با بی‌سوادی در میان بزرگسالان در ایران به تشکیل نخستین مدارس مدرن و گسترش آموزش عمومی از اواخر دوران قاجاریه و پهلوی اول باز می‌گردد. علاوه بر این، روند سوادآموزی از این زمان تحت تأثیر دو جریان ملی و بین‌المللی قرار داشت.

از جمله فعالیت‌های منتج به این مبارزه یا مجری آن در سطح ملی می‌توان به تعلیمات اکابر (ت. ۱۳۱۵)، سازمان آموزش سالمندان (ت. ۱۳۲۲)، برنامه تعلیمات اساسی (ت. ۱۳۲۳)، تأکید بر ضرورت سوادآموزی و پیکار با بی‌سوادی در تمامی برنامه‌های عمرانی کشور، فرمان پیکار با بی‌سوادی (۱۳۳۵)، سازمان آموزش بزرگسالان (ت. ۱۳۳۵)، سپاه‌دانش (ت. ۱۳۴۱)، کمیته ملی پیکار جهانی با بی‌سوادی (ت. ۱۳۴۴) و طرح جهاد ملی سوادآموزی (ت. ۱۳۵۴) اشاره کرد که با هدف توسعه نیروی انسانی کشور و ایجاد وحدت ملی و حراست از آن، در شرایط اختناق سیاسی حاکم، می‌کوشیدند از شاه و سلطنت پهلوی چهره‌ای مترقی به‌عنوان یک پادشاه و حکومتی پیش‌تاز در زمینه اجرای برنامه‌های فرهنگی و پیشبرد تحولات اجتماعی و در پیوند با نهادهای بین‌المللی به‌ویژه یونسکو و دیگر کشورهای جهان به جهانیان عرضه دارند.

در سطح بین‌الملل نیز تلاش می‌شد تا با اجرای برخی برنامه‌های آزمایشی سوادآموزی در پی تلاش‌های یونسکو در مصر، هندوستان، فیلیپین و مکزیک طی دهه‌های ۱۹۵۰-۱۹۶۰م. و در پی ایجاد *برداشت‌های نوینی* از آموزش بزرگسالان تحت عنوان تعلیمات اساسی در جهان، گسترش کمک فرهنگی به کشورهای جهان سوم به‌عنوان بعد چهارم سیاست خارجی کشورهای توسعه یافته و نیز با برگزاری همایش‌ها و نشست‌های بین‌المللی و کنگره‌های آموزشی و تبادل اطلاعات و همکاری میان کشورهای عضو یونسکو در زمینه فعالیت‌ها و برنامه‌ریزی‌های مشترک سوادآموزی در خلال دهه‌های ۱۹۷۰-۱۹۶۰م. و در پی ایجاد برداشت نوین از آموزش بزرگسالان تحت عنوان سوادآموزی تابعی، در مقام مشاوره الگوها و راهکارهای رشد و توسعه را به کشورهای جهان سوم تجویز نماید.





کمیته ملی پیکار با بی‌سوادی از بدو تأسیس در سال ۱۳۴۳ تا سال ۱۳۵۷ به واسطه ماهیت ملی و بین‌المللی خود، مهم‌ترین نهاد سیاست‌گذار و مجری پیکار با بی‌سوادی در ایران بود. هدف از تشکیل این نهاد بسیج کلیه نیروها و منابع انسانی و مالی کشور و هماهنگ کردن فعالیت‌های آنها در راه مبارزه با بی‌سوادی در ایران و اجرای هدف‌های مبارزه با بی‌سوادی و ریاست عالی آن با محمدرضا پهلوی و نیابت آن با خواهرش اشرف بود. با توجه به اهمیت این نهاد در تاریخ تحولات فرهنگی و اجتماعی ایران در دوران معاصر و عدم توجه کافی مورخان به دامنه فعالیت‌ها و عملکرد این سازمان مهم، نویسنده مقاله حاضر بر آن شد تا به بررسی عملکرد این مؤسسه و دامنه فعالیت‌ها، گروه‌های مشمول و برنامه‌های آن، طی دوران حیات این نهاد مهم علمی، فرهنگی و اجتماعی بپردازد.

پرسش اصلی پژوهش حاضر آن است که حوزه عملکرد کمیته ملی پیکار جهانی با بی‌سوادی در چه سطحی بود و برنامه‌های آن در زمینه پیکار با بی‌سوادی چه فعالیت‌هایی را شامل می‌شد؟ بر این اساس، پرسش‌های دیگری که در این پژوهش بدان‌ها پاسخ داده می‌شود، عبارتند از اینک: برنامه‌های این کمیته و فعالیت‌های آن در زمینه سوادآموزی و پیکار با بی‌سوادی چه بود؟ در پاسخ، پژوهش حاضر که با روش توصیفی تحلیل و تبیین تاریخی سامان پذیرفته این مدعا را مطرح می‌نماید که کمیته ملی پیکار جهانی با بی‌سوادی در پی تعامل ایران با یونسکو در امر سوادآموزی است.

تا چندی پیش هیچ اثر جامع و مستقلی با رویکرد تاریخی درباره کمیته ملی پیکار جهانی با بی‌سوادی و عملکرد ملی و بین‌المللی آن به رشته تحریر در نیامده بود؛ تنها در برخی از پژوهش‌های پیشین اشاره‌های پراکنده‌ای وجود داشت که به واسطه ذکر این موارد در مقاله پیشین و جلوگیری از تکرار مجدد، نویسنده از شرح آنها خودداری به عمل می‌آورد.

۱. همکاری‌های بین‌المللی کمیته ملی پیکار جهانی با بی‌سوادی

به فاصله‌اندکی از تشکیل این کمیته در سال ۱۳۴۳ و اجرای برنامه آزمایشی سوادآموزی در قزوین^۱، در تاریخ ۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۴۴ کارشناسان یونسکو از سوی صندوق ویژه سازمان ملل متحد و شورای مرکزی یونسکو برای تهیه گزارش پیرامون پیکار با بی‌سوادی در ایران عازم تهران شدند و با همکاری کارگزاران وزارت آموزش و پرورش و سازمان برنامه‌ریزی از دزفول و پیرامون، اصفهان و ساری، بابل و قائم‌شهر تهیه دیدند و هزینه پیکار با بی‌سوادی در این نقاط را نزدیک به ۹/۰۰۰/۰۰۰ دلار برآورد نمودند. در این گزارش برآورد شد که پس از تصویب، ۳/۰۰۰/۰۰۰ دلار از سوی صندوق ویژه سازمان ملل و ۶/۰۰۰/۰۰۰ دلار دیگر از سوی دولت ایران پرداخت گردد که این پرداختی دولت ایران

۱. در مبحث برنامه‌های ملی کمیته ملی پیکار جهانی با بی‌سوادی به تشریح این برنامه پرداخته خواهد شد.

تأمین ساختمان‌ها، آموزگار و دیگر ملزومات این طرح که در حیطة وظایف دولت محسوب می‌شد را نیز در بر می‌گرفت.^۱

سرانجام، کنگره جهانی وزیران آموزش و پرورش (۲۷-۱۷ شهریور ماه ۱۳۴۴/۸/۱۸ - سپتامبر ۱۹۶۵) با موضوع پیکار با بی‌سوادی با شرکت نمایندگان بسیاری از کشورهای جهان در تهران برگزار گردید.^۲ هدف از برگزاری این کنگره چنین عنوان شده بود: «پیدا کردن بهترین راه برای اینکه در کوتاه‌ترین مدت ممکن نتایج زیر حاصل آید:

۱. کلیه اطفال واجب‌التعلیم پیوسته از تعلیمات ابتدایی بهره‌مند گردند.

۲. افراد گروه سنی ۱۲ تا ۳۵ سال با سواد شوند.

۳. تعیین نوع آموزش و پی‌گیری سواد به نحوی که سواد آموخته شده جوابگوی احتیاجات منطقه‌ای و عمرانی و اقتصادی و ملی کشور باشد.^۳

کنفرانس تهران میراث ویژه‌ای برای فعالیت‌های بین‌المللی در زمینه پیکار با بی‌سوادی در دهه‌های ۱۹۶۰-۱۹۷۰ باقی‌گذارده. به‌طوری که قطعنامه تهران به دکتربین برنامه‌های سوادآموزی در دهه‌های ۱۹۶۰-۱۹۷۰ مبدل و از آن پس مقرر داشته شد تا هر برنامه پیکار با بی‌سوادی مستلزم ویژگی‌های زیر باشد:

الف پیوستگی با برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی؛

ب آغاز برنامه‌ها در میان گروه‌های جمعیتی که از تحرکات بیشتری برخوردارند و یا نیاز بیشتری به با سوادی دارند (هم برای پیشرفت این گروه‌ها و هم برای توسعه کشور)؛
ج اجرای برنامه‌ها در پیوند با اولویت‌های اقتصادی و اجرای این برنامه‌ها در مناطق در حال گذار به سوی رشد سریع اقتصادی؛

چ عدم محدودیت برنامه‌ها به خواندن و نوشتن و لزوم در بر گرفتن دانش حرفه‌ای و فنی و حمایت آنها از مشارکت فعال بزرگسالان در زندگی اقتصادی و شهری؛

ح شکل‌گیری برنامه‌های سوادآموزی به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از برنامه‌ریزی آموزشی و ساختار هر کشور؛

خ ضرورت تأمین منابع مالی برنامه‌های سوادآموزی تابعی از منابع گوناگون عمومی و خصوصی، همزمان با جذب سرمایه‌گذاری؛

د لزوم ارتباط برنامه‌های جدید سوادآموزی با پی‌گیری اهداف اقتصادی و اجتماعی

۱. احمد قاسمی، مبارزه با بی‌سوادی و آموزش بزرگسالان، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۵)، ص ۴۳ و عباس شفتی، بررسی وضع سوادآموزی در ایران، (تهران: سازمان خدمات اجتماعی، ۱۳۵۵)، و کمیته ملی پیکار جهانی با بی‌سوادی، پیکار با بی‌سوادی در ایران، (تهران: کمیته ملی پیکار جهانی با بی‌سوادی، ۱۳۴۴)، بدون صفحه‌شمار.

۲. «به سال گذشته بازگردیم: وقایع مهم اقتصادی در سالی که گذشت...»، بورس ماهانه، دوره اول، ش ۳۲، ۱ فروردین ۱۳۴۵، ص ۳۰ و کمیته ملی پیکار جهانی با بی‌سوادی، تلاش بی‌گیر ایران در پیکار جهانی با بی‌سوادی، (تهران: روابط عمومی کمیته ملی پیکار جهانی با بی‌سوادی، ۱۳۵۱)، ص ۱۵.

۳. «خبرها و پیشرفت‌ها»، آموزش و پرورش، ش ۱۱۴، بهمن ۱۳۴۸، ص ۶۱.

منظور از
سوادآموزی تابعی
یا حرفه‌ای، آموزش
سواد و علوم با
توجه به شغل
افراد و یاد دادن
مهارت‌های مربوط
به حرفه آنان همراه
با سوادآموزی است

(افزایش تولید نیروی انسانی، تولید مواد غذایی، صنعتی شدن، تحرک اجتماعی و حرفه‌ای، ایجاد نیروی انسانی اضافی، کثرت‌گرایی در اقتصاد و غیره).^۱

برگزاری کنگره تهران موقعیت مناسبی را برای حکومت پهلوی در عرصه بین‌الملل و به‌ویژه یونسکو فراهم آورد. در سال ۱۳۴۵/۱۹۶۶ و در راستای انسجام بخشیدن به تعامل و روابط بین‌المللی در زمینه پیکار جهانی با بی‌سوادی، بخشی از کشورهای در حال توسعه عضو یونسکو، کمیته بین‌المللی همکاری مشورتی برای سوادآموزی^۲ را تشکیل دادند.^۳ در میان بسیاری از موضوعات دیگر، مباحث اصلی مطرح شده در اجلاس این کمیته بیشتر موضوعاتی چون مسائل تجربیات جهانی برنامه‌های سوادآموزی، سوادآموزی و حقوق بشر، نیازها و چشم‌اندازهای سوادآموزی در دهه دوم توسعه، بهبود و هنجارسازی سواد اطلاعاتی و بررسی راه‌ها و ابزارهای همکاری بین‌المللی و در صورت ممکن ایجاد یک مؤسسه بین‌المللی برای سوادآموزی را پوشش می‌داد.^۴ علاوه بر این در قطعنامه این کنگره، طرح ایران مبنی بر تخصیص بخشی از بودجه نظامی کشورها برای پیکار با بی‌سوادی به تصویب رسید.^۵

اما دستاورد مهم دیگر این کنگره اشاعه برنامه سوادآموزی تجربی جهانی بر مبنای مفهوم سوادآموزی تابعی در برنامه‌های سوادآموزی کشورهای جهان در سال‌های ۱۹۷۲-۱۹۶۷ بود.^۶ تا سال ۱۳۴۴ در تمامی برنامه‌های سوادآموزی سنتی در ایران به‌منظور جلوگیری از فراموش شدن آموخته‌ها بر تداوم خواندن تأکید می‌رفت.^۷ پس از تلاش‌های چندین ساله سوادآموزی در سطح جهان و بررسی نتایج این تلاش‌ها، سرانجام وزیران آموزش و پرورش کشورهای جهان در کنگره تهران مفهوم سوادآموزی تابعی را به‌عنوان برداشتی کامل و مؤثر از سواد پذیرفتند. در پی این توافق همگانی، مقرر گردید طرح مذکور به صورت آزمایشی در ۱۱ کشور جهان از جمله ایران به اجرا در آید.^۸

منظور از سوادآموزی تابعی یا حرفه‌ای، آموزش سواد و علوم با توجه به شغل افراد و یاد دادن مهارت‌های مربوط به حرفه آنان همراه با سوادآموزی است. در این روش، تداوم مطالعه به‌منظور بهره‌وری از مهارت‌های سواد در پیشبرد اهداف اقتصادی فرد و اجتماع لازم دیده می‌شود و سوادآموزی با تأکید بر ابعاد اجتماعی و آگاه‌سازی به‌منظور بهره‌وری از مهارت‌های سواد در آزاد ساختن فرد از قید نیروها و قدرت‌هایی که انسان را مهار کرده‌اند، تداوم مطالعه را ضرورتی اساسی می‌داند.^۹

1. Idem, 1968, P. 48-47.

2. International Consultative Liaison Committee for Literacy

3. Unesco Secretariat, Literacy in the world since the 1965 Teheran Conference: shortcomings, achievements, tendencies, A Turning Point for Literacy: Adult Education for Development, the Spirit and Declaration of Perspolis, Edited by Leon Bataille, (New York: Pergamon Press, 1976), P. 30.

4. Idem.

۵. «خبرهای فرهنگی»، دوره سی‌ونهم، ش ۴، مهر ۱۳۴۴، ص ۷۵.

۶. پرویز همایون پور، پیکار جهانی سوادآموزی به مناسبت سال جهانی سوادآموزی، (تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸)، ص ۵.

۷. زهرا صیباغیان، روش‌های سوادآموزی بزرگسالان، (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۴)، صص ۱۹۱-۱۷۱.

۸. شفتی، ص و کمیته ملی پیکار جهانی با بی‌سوادی، ۱۳۴۴، بدون صفحه‌شمار.

۹. پیشین، همان.

در سال ۱۳۴۵،
مؤسسه بین‌المللی
روش‌های
سوادآموزی
بزرگسالان در
تهران تأسیس یافت

دو سال پس از این رویداد، روز ۱۷ شهریور (۸ سپتامبر) که روز افتتاحیه این کنگره بود از سوی سازمان ملل متحد به‌عنوان روز جهانی پیکار با بی‌سوادی نامگذاری شد.^۱ پس از تشکیل این کنگره، با توجه به شرایط آن روز ایران و در نظر گرفتن اهداف سوادآموزی در سطح جهان، علاوه بر کمیته ملی پیکار با بی‌سوادی، گروه پژوهشی سازمان زنان نیز با همکاری یونسکو، مأمور اجرای طرح سوادآموزی تابعی برای زنان روستایی در کشور شد و فعالیت خود را با تهیه یک طرح تجربی سوادآموزی تابعی برای زنان روستایی آغاز نمود.^۲

علی‌رغم آنکه حکومت پهلوی می‌کوشید خود را پیشتاز طرح پیکار با بی‌سوادی در عرصه جهانی نشان دهد، به واسطه تفاوت در ماهیت و وجوه گوناگون مسائل مشترک در کشورهای مختلف جهان، علی‌رغم توافق اولیه برای اجرای پیشنهاد ایران مبنی بر تخصیص بودجه نظامی یک روز کشورها برای پیکار جهانی با بی‌سوادی، توافق نهایی برای نحوه اجرای آن حاصل نشد و هر چند، این پیشنهاد توسط کنگره تصویب گردید، ایران نخستین کشوری بود که در تاریخ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۵ بودجه نظامی یک روز کشور معادل ۷۰۰ هزار دلار را بدین منظور در اختیار یونسکو قرار داد^۳ و وظیفه انتشار ۱۰۰/۰۰۰ کتاب درسی سوادآموزی را به صورت رایگان برای کشورهای آسیایی تقبل نمود.^۴

علی‌رغم آنکه ایران در ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۴۵ مجدداً پیام‌هایی با مضمون تخصیص بخشی از بودجه نظامی برای سوادآموزی به سران کشورهای دیگر ارسال داشت و پیام وی در شورای اجرایی یونسکو در پاریس قرائت شد و نمایندگان برخی کشورها در دفاع از آن به ایراد سخنرانی پرداختند و حتی رنه ماهو مدیرکل وقت یونسکو اظهار داشت که اگر تنها یک‌سیصد و شصت و پنجم از بودجه نظامی بیش از ۱۷۰ هزار میلیارد دلاری کشورهای جهان برای پیکار با بی‌سوادی تخصیص داده شود نیروی برنده و سهمگین در از میان برداشتن بی‌سوادی در جهان به وجود خواهد آمد، ولی کشورهای دیگر مشارکتی در اجرای این مصوبه کنگره نداشتند.

در سال ۱۳۴۵، مؤسسه بین‌المللی روش‌های سوادآموزی بزرگسالان^۵ در تهران تأسیس یافت. این مؤسسه به‌عنوان یک سرویس اطلاعاتی جهانی کار خود را آغاز کرده بود و در پیوند با کمیته همکاری مشورتی برای سوادآموزی، پژوهش و برنامه‌های آموزشی را ضمیمه فعالیت‌های خود نمود.^۶

۱. Unesco Secretariat, 1976, P. 48. و کمیته ملی پیکار جهانی با بی‌سوادی، تلاش بی‌گیر ایران در پیکار جهانی با بی‌سوادی، (تهران: روابط عمومی کمیته ملی پیکار جهانی با بی‌سوادی، ۱۳۵۱)، ص ۱۵.

۲. پرویز همایون‌پور، گزارش نهایی طرح تجربی سوادآموزی تابعی در خدمت پیشرفت اجتماعی؛ اقتصادی زنان روستایی، (تهران: سازمان زنان ایران، ۱۳۵۴)، ص ۷.

۳. احمد زمان‌پور و آذر شریانی، فرهنگنامه، جلد هفدهم: ایران، زیر نظر رضا اقصی (تهران: کتاب‌های جیبی و امیرکبیر با همکاری فرانکلین، ۱۳۴۶)، ص ۴۵.

4. United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization, 1968, P. 27.

۵. شفتی.

6. International Institute of Adult Literacy Methods

7. Unesco Secretariat, 1976, P. 30.



علاوه بر این، در جریان برگزاری کنگره شورای بین‌المللی زنان در تهران (اردیبهشت ماه ۱۳۴۵/ می ۱۹۶۶) ضمن سومین سمینار این کنگره با عنوان «زن در کار و زندگی جدید» بر اهمیت سوادآموزی برای زنان و نقش آنها در پیکار با بی‌سوادی تأکید شد و بتوان شرکت‌کننده در این کنفرانس از مراکز پیکار با بی‌سوادی وابسته به این سازمان و کمیته ملی پیکار جهانی با بی‌سوادی بازدید به عمل آوردند و زنان فعال در حوزه سوادآموزی نیز در این سمینار به ایراد سخنرانی پرداختند.^۱

در شرایط آن روز کشور و در حالی که نیروهای مخالف و منتقد در داخل و خارج از کشور به صف‌آرایی برابر حکومت می‌پرداختند و گزارش‌های عدیده‌ای از عمق مشکلات و مسائل اجتماعی در محافل و نشریات آنها انعکاس می‌یافت، حمایت قاطبه حاکمیت از برنامه سوادآموزی، تا حدودی نیز ناشی از تلاش برای نمایش یک وجهه مترقی از کشور در مجامع بین‌المللی و باز تعریف هویت جدید

ایرانی به‌عنوانی ملتی مترقی و پیشتاز در عرصه‌های گوناگون بود. کشوری با خاستگاه غنی تاریخی و پیشتاز در گذشته که «گذشت زمان و پیش‌آمدهای غم‌انگیز باعث شد که این ملت کهن سال از کاروان تمدن عقب بماند» و در جهل به سر برد^۲ و اینک آوازه تحول طلبی و انقلاب اجتماعی و فرهنگی آن از حدود مرزهایش گذشته و «در اقصی نقاط جهان طنین افکن شده است، پاره‌ای از کشورها که همان نابه‌سامانی‌ها و دشواری‌های گذشته ما را داشته‌اند در پی آن برآمده‌اند که از تجربیات و آزمایش‌های ما در امر پیکار با بی‌سوادی الهام بگیرند و راه ایران را سرمشق کار خود قرار دهند».^۳

این مواضع در زمینه سوادآموزی و پیکار با بی‌سوادی و ارتباط دادن پیشرفت‌های سوادآموزی در ایران با تصمیم و عزم حکومت پهلوی برای تحقق این مقصود، در نطق غلام‌عباس آرام (۱۳۶۳-۱۲۸۲) وزیر وقت امور خارجه ایران در نوزدهمین اجلاس سازمان ملل متحد در لیک (ساکسس) نیز انعکاس یافت و در مجالس شورای ملی و سنا نیز جمعی از نمایندگان به تمجید از اقدامات این کمیته با مواضعی یکسان پرداختند.^۴ بدین ترتیب، در دستگاه تبلیغاتی حکومت پهلوی پیکار با بی‌سوادی به‌عنوان برنامه‌ای نه ناشی از خواست و اراده جمعی یا حتی نشأت گرفته از نظرات کارشناسانه سیاست‌گذاران وزارت فرهنگ (آموزش و پرورش) بلکه به‌عنوان یکی از برنامه‌های تبلیغاتی برای نهاد سلطنت و طرحی برخاسته از تصمیم و اراده یک حاکم مترقی در جامعه‌ای عقب مانده معرفی شد.

۱. مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، (۲۲ اردیبهشت ۱۳۴۵)، دوره بیست‌ویکم، جلسه ۲۶۴.

۲. فضل‌الله صفا، «نهضت مقدس پیکار با بی‌سوادی و وظیفه معلمان»، آموزش و پرورش، دوره ۲۶، ش ۵، مهر ۱۳۴۵، ص ۳.

۳. همان، ص ۵.

۴. مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، (۱۷ دی ۱۳۴۳)، دوره بیست‌ویکم، جلسه ۱۳۶.

چندی بعد، اولین دوره اجلاسیه کمیته بین‌المللی همکاری مشورتی برای سوادآموزی در ژوئن ۱۹۶۷/خرداد ۱۳۴۶ به ریاست ایران در پاریس برگزار گردید. از اصلی‌ترین مباحث مطرح شده در این اجلاسیه می‌توان به تأکید بر هماهنگی اقدامات ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی در زمینه سوادآموزی، استفاده از کمک‌های مالی و همکاری‌های ویژه برای کار سوادآموزی اشاره کرد.^۱ دومین دوره اجلاسیه کمیته بین‌المللی همکاری مشورتی برای سوادآموزی نیز در سپتامبر ۱۹۶۸/شهریور ۱۳۴۷ در پاریس برگزار گردید. ضمن این نشست، مباحثی چون بررسی اجرای توصیه‌های کمیته بین‌المللی همکاری مشورتی برای سوادآموزی، کار سوادآموزی و حقوق بشر، بررسی فعالیت‌های مرتبط با حمایت از برنامه جهانی سوادآموزی تجربی، فعالیت‌های مؤسسات غیر دولتی در امر سوادآموزی، کار سوادآموزی و سال بین‌المللی آموزش و پرورش (۱۹۷۰)، روز بین‌المللی سوادآموزی و اعطای جایزه محمدرضا پهلوی مورد بحث و بررسی قرار گرفتند.^۲

سومین دوره اجلاسیه کمیته بین‌المللی همکاری مشورتی برای سوادآموزی نیز در مارس ۱۹۷۲/فروردین ۱۳۵۱ با قرائت پیام ایران به‌عنوان رئیس افتخاری این کمیته بین‌المللی توسط مدیرکل یونسکو کار خود را در یونسکو آغاز نمود و مجید رهنما (۱۳۰۳-۱۳۹۴) به‌عنوان گزارشگر دفتر این اجلاسیه برگزیده شد. در این اجلاسیه مسائلی چون پیشرفت‌ها در پیکار برای ریشه‌کن ساختن بی‌سوادی و پیاده‌سازی برنامه جهانی سوادآموزی عملی و پی‌گیری اقدامات در این زمینه، نیازها و چشم‌اندازهای سوادآموزی در دهه دوم توسعه، تأمین مالی برنامه سوادآموزی و اقدامات یونسکو در این حیطه مطرح گشت.^۳

چهارمین دوره اجلاسیه کمیته همکاری مشورتی برای سوادآموزی نیز در فروردین ۱۳۵۲/مارس ۱۹۷۳ به ریاست افتخاری ایران در تهران برگزار گردید. مجید رهنما در این اجلاسیه نیز در سمت گزارشگر دفتر کمیته مزبور به همکاری پرداخت. در این اجلاسیه پیشرفت‌ها و مسائل در امر پیکار با بی‌سوادی (ذیل ارزیابی کلی برنامه سوادآموزی تجربی در جهان، پیشرفت‌های استاندارد ساختن داده‌های سوادآموزی برای مقایسه بهتر دستاورد برنامه‌های ملی و شرکت‌ها) و نیز استراتژی‌های جدید برای اقدام هماهنگ در مقیاس جهانی مورد بحث و بررسی قرار گرفت.^۴ بدین ترتیب، آخرین دوره از این سلسله نشست‌های چهارگانه بین‌المللی در تهران خاتمه یافت.

1. United Nations Educational , Scientific and Cultural Organization. International Consultative Liaison Committee for Literacy, First Session, Tehran, 5-9 June 1967, Final Report, (Paris: United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization, 18 July 1967), P. 1-6.
2. United Nations Educational , Scientific and Cultural Organization. International Consultative Liaison Committee for Literacy, Second Session, Paris, 3-6 September 1968, Final Report, (Paris: United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization, 27 December 1968), P. 1-5.
3. United Nations Educational , Scientific and Cultural Organization. International Consultative Liaison Committee for Literacy, Third Session, Paris, 27-30 March 1972, Final Report, (Paris: United Nations Educational , Scientific and Cultural Organization, 30 June 1972), P. 1-4.
4. United Nations Educational , Scientific and Cultural Organization. International Consultative Liaison Committee for Literacy, Fourth Session, Tehran, 6-9 December 1973, Final Report, Paris: United Nations Educational , Scientific and Cultural Organization, 29 March 1974, P. 1-4.

کمیته ملی پیکار
با بی‌سوادی،
شهرستان قزوین
را برای اجرای
یک طرح راهنما
(آزمایشی) در
مبارزه با بی‌سوادی
برگزید

سمپوزیوم بین‌المللی در تخت‌جمشید در تاریخ ۱۷-۱۲ شهریور ۱۳۵۴ و سپتامبر ۱۹۷۵ آخرین گردهمایی بین‌المللی در زمینه پیکار با بی‌سوادی در ایران پیش از وقوع انقلاب اسلامی بود. این سمپوزیوم که با شرکت حدود ۶۰ کارشناس از سراسر جهان به مناسبت بزرگداشت دهمین سالگرد کنگره جهانی پیکار با بی‌سوادی در تهران (۱۳۴۴) برگزار گردید،^۱ و طی آن، سخنرانان در چند محور کلی شامل تعادل و آموزش ده سال کار سوادآموزی، کارکردهای سوادآموزی، تحولات در شرایط زندگی و ساختارهای اجتماعی به‌عنوان الزام اجرایی سوادآموزی، نقش نوآورانه سوادآموزی و ادغام آنها در روندهای آموزش و پرورش جهانی و بسیاری مسائل دیگر به ایراد سخنرانی پرداختند.^۲ در همین سمپوزیوم مجید رهنما به ایراد یک سخنرانی با عنوان «سوادآموزی: برای خواندن کلمه یا جهان؟» پرداخت. در این سمپوزیوم، مفهوم سوادآموزی محض توجیه‌ناپذیر قلمداد شد و در عین حال، شرکت‌کنندگان در آن از مفهوم سوادآموزی تابعی فراتر رفتند و چنین نظر دادند که «سواد باید آگاهی‌بخش، عامل آزادسازی انسان و شکوفایی همه جانبه شخصیت فرد باشد».

علاوه بر این، در نوزدهمین اجلاس مجمع عمومی یونسکو در نایروبی (۱۹۷۶) که می‌توان آن را آخرین مجمع بین‌المللی در زمینه پیکار با بی‌سوادی خواند که سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان آموزشی ایران در آن حضور پررنگی داشتند، سوادآموزی «یکی از عوامل قاطع رشد سیاسی و اقتصادی، پیشرفت فنی، دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی... و جزء تفکیک‌ناپذیر هر گونه برنامه آموزشی بزرگسالان» معرفی شد.^۳

۲. برنامه‌های ملی کمیته ملی پیکار جهانی با بی‌سوادی

در ابتدا، کمیته ملی پیکار با بی‌سوادی، شهرستان قزوین را برای اجرای یک طرح راهنما (آزمایشی) در مبارزه با بی‌سوادی برگزید. بر اساس این طرح باید ۱۴۰ هزار نفر از ساکنان این منطقه، که بیش‌تر آنها روستایی بودند، خواندن و نوشتن یاد بگیرند. دلایل‌گزینش این شهرستان عبارت بود از:

۱. تمامی مشکلات و مسائلی که در اجرای طرح مبارزه با بی‌سوادی در مقیاس وسیع با آن‌ها رو به رو می‌شدند، در مقیاس کوچک‌تر در قزوین وجود داشت؛ از جمله:
الف) فقط یک سوم جمعیت این حوزه به زبان فارسی سخن می‌گفتند؛
ب) جمعیت آن بسیار پراکنده بود؛
ج) راه‌های ارتباطی بین دهکده‌ها بسیار اندک بود به‌ویژه که طی زمستان در نقاط کوهستانی راه‌های ارتباطی با همدان، رشت و تهران به کلی قطع می‌شد.

۱. کمیته ملی پیکار جهانی با بی‌سوادی، سمپوزیوم بین‌المللی سوادآموزی در تخت‌جمشید (۱۲ تا ۱۷ شهریور ۱۳۵۴ تا ۳ تا ۸ سپتامبر ۱۹۷۵)، ترجمه مسعود رضوی، تهران: کمیته ملی پیکار جهانی با بی‌سوادی، ۱۳۵۵، ص عنوان.

۲. همان، صفحات فهرست.

۳. همایون پور، ۱۳۶۸، ص ۵.

۲. اجرای طرح توسعه دشت قزوین، نیز که هدف آن فراهم کردن آب کافی برای تغییر روش‌های کشاورزی قدیم، مرغوب ساختن جنس غلات و رواج به کار گیری کود شیمیایی بود، ضرورت سوادآموزی در این منطقه را به شدت افزایش می‌داد.
۳. شهر قزوین - مرکز شهرستان - به تهران نزدیک بود^۱ و نظارت بر اجرای طرح را عملی‌تر می‌ساخت.^۲

همایون صنعتی‌زاده پیرامون تشریح مساعی سازمان‌های کشوری برای پیشبرد مرحله نخست این طرح، در خاطرات خویش چنین می‌گوید: «نیروی هوایی هواپیما در اختیار می‌گذاشت، ارتش از کمک دریغ نداشت، یک رادیو اف.ام. راه انداخته بود. تمام روستاهای قزوین را از شرق تا غرب و از شمال تا جنوب زیر پوشش قرار داده بود».^۳

در عرصه داخلی نیز، به‌منظور تأمین مالی بخشی از هزینه‌های برنامه پیکار با بی‌سوادی در ماده شصت‌وهشتم قانون اصلاحی شهرداری (مصوب ۱۳۴۴) مقرر داشته شد که از این پس، می‌بایست از محل درآمدهای مستمر شهرداری‌ها به صورت ثابت ۴٪ برای مبارزه با بی‌سوادی بودجه و اعتبار تخصیص داده شود که از طریق کمیته ملی پیکار با بی‌سوادی به مصرف برسد.^۴ هر چند، طبق قانون بودجه اصلاحی سال ۱۳۵۲ و بودجه سال ۱۳۵۳ از اول دی ۱۳۵۲ این تخصیص اعتبار به واسطه تبصره سی‌ونهم لغو و شهرداری از پرداخت این سهام معاف گردید.^۵

به مرور در سال ۱۳۴۵، با توجه به تجربه‌های اخذ شده از دوره آزمایشی قزوین، کمیته ملی پیکار جهانی با بی‌سوادی فعالیت‌های سوادآموزی را در استان فارس آغاز نمود و در همین سال نخستین کلاس این کمیته افتتاح گشت. از سال ۱۳۴۶ نیز کمیته فعالیت خود را در مراکز سایر استان‌ها آغاز کرد و تا سال ۱۳۴۷ این کمیته‌ها در سراسر کشور بالغ بر ۱۵۰ شعبه شد.^۶ از سال ۱۳۴۶، طرح‌های مشابه دیگری نظیر آنچه در قزوین اجرا شد، در دشت میشان و استان‌های فارس و مازندران اجرا گشت و سپاهیان‌دانش، بهداشت و ترویج و آبادانی در این پیکار با کمیته همکاری فعال داشتند.^۷ در همین ایام، اصفهان و دزفول به‌عنوان دو قطب صنعتی و کشاورزی کشور برای اجرای آزمایشی طرح انتخاب شدند و از سال ۱۳۴۶ طرح‌های سوادآموزی تابعی در این دو منطقه به اجرا درآمد.

پس از اجرای این طرح‌ها، سوادآموزی فراگیر با بهره‌گیری از سپاه دانش ادامه یافت و با

۱. ۱۴۴ کیلومتر فاصله این دو شهر بود.

۲. کمیته ملی پیکار جهانی با بی‌سوادی، ۱۳۴۴.

۳. علی‌نژاد، سیروس، «گزارش یک زندگی (گفتگو با همایون صنعتی‌زاده)»، مجله بخارا، ش ۶۷، <http://bukharamag.com/1387.09.2718.html> (تاریخ دسترسی مهر-آبان ۱۳۸۷)

۴. سازمان اسناد ملی ایران، سند به شماره ۹۶/۲۹۳/۲۰۱۵ و مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، (۸ دی ۱۳۵۲)، دوره، بیست و سوم، جلسه ۱۴۱.

۵. مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، (۸ دی ۱۳۵۲)، دوره، بیست و سوم، جلسه ۱۴۱.

۶. قاسمی، همان.

۷. زمانبیر و شربیانی، ص ۴۶.

استفاده از تجارب حاصل شده طرح پیکار با بی‌سوادی از اوایل سال ۱۳۴۶ در سراسر کشور اجرا شد و برای جلب بی‌سوادان به کلاس‌های پیکار با بی‌سوادی اقدامات زیر به عمل آمد:

- الف) استفاده از رادیو و تلویزیون و روزنامه و پوستر برای تشریح مزایای باسوادی؛
- ب) تطبیق ساعات کار کلاس‌ها با ساعات فراغت سوادآموزان؛
- ج) استخدام پرستار برای نگهداری کودکانی که مادران آنها در کلاس شرکت می‌کنند؛
- د) ملزم ساختن کارکنان بی‌سواد دولت به شرکت در کلاس‌ها.^۱

با این حال، فعالیت‌های این کمیته به واسطه برنامه‌ریزی نامطلوب، عدم انطباق طرح‌ها با نیازهای مناطق مختلف کشور و امکانات دستگاه‌های اجرایی، ضعف نظارت و کنترل دقیق و نبودن یک نظام ارزشیابی علمی نتیجه مورد انتظار سیاست‌گذاران و طراحان این برنامه را حاصل نیاورد و به دلیل عدم موفقیت برنامه‌های سوادآموزی و عدم تحقق اهداف، طرح‌های گوناگونی برای سوادآموزی و پیکار با بی‌سوادی به اجرا درآمد و از سال ۱۳۵۰ فعالیت‌های سوادآموزی عملاً به سازمان‌ها و وزارتخانه‌های مختلف واگذار شد. طرح‌هایی که در این دوره تصویب و به اجرا درآمدند عبارت بودند از:

- ۱. طرح سوادآموزی کودکان واجب‌التعلیم؛
- ۲. طرح سوادآموزی بزرگسالان؛
- ۳. طرح سوادآموزی کارگران؛
- ۴. طرح سوادآموزی زنان؛
- ۵. طرح با سواد کردن افراد در نیروهای مسلح؛
- ۶. طرح تربیت مأموران چند پیشه؛
- ۷. طرح سوادآموزی حرفه‌ای.



۱. نهضت سوادآموزی، «تاریخچه سوادآموزی در ایران»، Pdf تاریخچه (بیتا). <http://www.lmoiran.ir/uploads/368>

در عین حال، سوادآموزی تابعی تا سال ۱۳۵۶ در برنامه‌های کمیته ملی پیکار جهانی مدنظر قرار داشت و اجرای آن حتی به شهرهای دیگری مانند ساوه و یزد گسترش یافت.^۱ گام دیگر کمیته برای جلب افراد بی‌سواد به شرکت کردن در برنامه‌های سوادآموزی این سازمان، تهیه مواد آموزشی و کتاب‌هایی برای سوادآموزان و نوسوادان بود. در فاصله سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۵۵ شورای نویسندگان مرکز تهیه خواندنی‌های نوسوادان و میز مرکز انتشارات آموزشی وابسته به کمیته ملی پیکار جهانی با بی‌سوادی دو نوع کتاب تدوین و چاپ نمود:

الف) کتاب‌های درسی و تکمیلی برای شرکت‌کنندگان دوره اول و دوم کلاس‌های پیکار با بی‌سوادی؛ شامل: **بخوانیم و بنویسیم شهری، آسان یک شهری** (نامه‌رسان)، **آسان دو شهری** (استاد مراد)، **آسان سه شهری** (کوچه شادی)، **آسان چهار شهری** (سرزمین ما ایران)، **بخوانیم و بنویسیم روستایی، آسان یک روستایی** (برادران کشاورز)، **آسان دو روستایی** (چوپان ده)، **آسان سه روستایی** (ده‌امیرآباد)، **آسان چهار روستایی** (سرزمین ما ایران)، **بخوانیم و بنویسیم مخصوص آذربایجان، آسان یک مخصوص آذربایجان** (بابک و برادرانش)، **آسان دو مخصوص آذربایجان** (قربان و خانواده‌اش)، **آسان سه مخصوص آذربایجان** (چند روز در تبریز)، **آسان چهار مخصوص آذربایجان** (سرزمین ما ایران)، **آسان مخصوص کارگران کارخانه نساجی، آسان مخصوص کارگران فلزکار، حساب اول، حساب دوم، بخوانیم و با سواد شویم، بخوانیم و بهتر صحبت کنیم، بخوانیم و بنویسیم کودکان، بخوانیم و بهتر زندگی کنیم، درس قرآن و اصول دین و فروع دین.**

ب) کتاب‌های خواندنی که با سوادان و نوسوادان به خوبی می‌توانستند از آنها استفاده کنند؛ شامل: **پیغمبر اسلام (ص)**، **حضرت محمد (ص)**، **حضرت علی (ع)**، **حضرت فاطمه (ع)**، **حضرت زینب (ع)**، **آدم و حوا، ایوب و یونس، حضرت نوح، حضرت یوسف، حضرت ابراهیم، حضرت عیسی، هفت‌خوان رستم از شاهنامه فردوسی، هفت‌خوان اسفندیار از شاهنامه فردوسی، رستم و سهراب از شاهنامه فردوسی، سرزمین ما تاریخ ایران، شاه و مردم، جشن ملی، کار و خدمت، جنوب ایران، غذاهای محلی ایران، ازدواج و زندگی، دوران سربازی، درخت‌کاری مشهدی اکبر، کشت بذر، شیرینی‌پزی، سبزی‌کاری، چه کنیم تا گاو سالم داشته باشیم، رادیو و راه نگهداری آن، ناخوشی درخت‌ها، مرغداری، یونجه‌کاری، برق و سیم‌کشی، مکانیک اتومبیل، با استان آذربایجان غربی آشنا شوید.**

این کتاب‌ها از طریق مراکز فروش کتاب‌های کمیته در کشور با قیمت ارزان (هر جلد فقط سه ریال) به فروش می‌رسیدند.^۲

۱. همان.

۲. «گهی برای نوسوادان کشور»، روز نو، ش ۱۶۶، ۲ اسفند ۱۳۵۱، ص ۲ و کمیته پیکار جهانی با بی‌سوادی، سوادآموزی بزرگسالان (تهران: کمیته پیکار جهانی با بی‌سوادی، ۱۳۵۵)، ص ۱۳۹-۱۳۰.

روزنامه «روز نو»
نیز از شهریور ماه
۱۳۴۷، به منظور در
دسترس قرار دادن
متون فارسی برای
مطالعه نوسوادان
و جلوگیری از
بازگشت بی سوادی
برای اقشار نوسواد
مختلف کشور
به ویژه کارگران و
کشاورزان طبع و
نشر یافت

علاوه بر این، دبیرخانه‌های کمیته ملی پیکار جهانی با بی سوادی در شهرستان‌ها نیز گاه با همکاری وزارت تعاون و امور روستاها به تهیه و تنظیم کتاب‌ها و نشریاتی برای نوسوادان و اعضای گروه‌های پی گیری سوادآموزی می‌پرداختند. از جمله این آثار می‌توان به کتاب **باغ‌های جاودانه انگور شاهرضا، چند داستان از زنان دلاور داستان‌های قدیم ایران و نگاهی به شبستر و روستای شانجان** اشاره کرد.

اما بخشی دیگر از تلاش‌های شورای نویسندگان مرکز ملی آموزش بزرگسالان و کمیته ملی پیکار جهانی با بی سوادی و مؤسسه بین‌المللی روش‌های سوادآموزی بزرگسالان به تهیه، تنظیم، ترجمه و تألیف کتاب‌هایی در زمینه سوادآموزی برای آموزشیاران معطوف می‌شد. در این راستا آثار برجسته‌ای تألیف و ترجمه شد که از آن جمله می‌توان به **بهداشت و تندرستی برای آموزش بزرگسالان، مبانی نظری و اصول آموزشی و پرورشی برنامه‌های پایه سوادآموزی، تعلیم و تربیت در محیط روستا، مقدمه‌ای بر آموزش مداوم، تجربه‌هایی در سوادآموزی، کتاب‌شناسی خواندنی‌های ساده (۱۳۴۸ - ۱۳۵۶)**، **بسامدی واژه‌ها در نوشته‌های مخصوص عامه مردم و مباحثی پیرامون سوادآموزی** و بسیاری آثار دیگر اشاره کرد.

روزنامه «روز نو» نیز از شهریور ماه ۱۳۴۷، به مدیرمسئولی عبدالغفار احمدی به منظور در دسترس قرار دادن متون فارسی برای مطالعه نوسوادان و جلوگیری از بازگشت بی سوادی ضمن ارائه ساده اخبار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای اقشار نوسواد مختلف کشور به ویژه کارگران و کشاورزان طبع و نشر یافت.

به مرور، برنامه‌ریزی آموزشی دولت به ویژه در بعد سوادآموزی و پیکار با بی سوادی در برنامه سوم عمرانی کشور به سنتی تبدیل یافت که در برنامه‌های چهارم (۱۳۵۱-۱۳۴۷) و پنجم (۱۳۵۶-۱۳۵۲) عمرانی کشور نیز به کار گرفته شد.^۲ بدین ترتیب که مقرر داشته شد تا برای سوادآموزی و آموزش بزرگسالان در سطح کشور برنامه‌ریزی‌هایی صورت پذیرد و وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مختلف عهده‌دار اجرای این برنامه‌ها باشند. بر این اساس، اهداف اصلی برنامه چهارم عمرانی کشور در زمینه سوادآموزی و آموزش بزرگسالان عبارت شدند از: رسیدن به نسبت ۶۰٪ باسواد در پایان برنامه چهارم در گروه سنی ۴۵-۱۰ سال، توسعه مراکز مخصوص آموزش و مهارت کارگران، امور مدیریت صنعتی، تعلیمات ضمن خدمت کشاورزی و صنعتی برای سربازان و اجرای برنامه‌های بهداشت و تنظیم خانواده برای زنان.^۳ علاوه بر این، راهکارهای مختلفی برای مبارزه با بی سوادی تمهید دیده شد و گردهمایی‌ها

۱. مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۵۶/۳/۲۹، سند شماره ۲۴/۲۲۰/۰/۳.

۲. عبدالحسین نفیسی و حسین عبداللهی، «بازنگری تجربه برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش در ایران (فنون و شیوه‌های برنامه‌ریزی تجربه سال‌های ۱۳۲۷-۱۳۷۸)»، فصلنامه تعلیم و تربیت، س ۳۶، ش ۶۴، زمستان ۱۳۷۹، ص ۴۸.

۳. پرویز همایون پور، ۴۴ درس از تجربه سوادآموزی ایران در ۵۶-۱۳۵۵، (تهران: پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران، ۱۳۵۸)، ص ۸ و فضل‌الله مؤمنی و دیگران، روش‌های آموزش در کلاس‌های سوادآموزی حرفه‌ای، ج ۳، (تهران: واحد سوادآموزی حرفه‌ای آموزش و پرورش، ۱۳۵۵)، ص ۵.

و سمینارهای متعددی در این زمینه برگزار گردید.^۱

برای تکمیل این طرح سوادآموزی و پیکار با بی‌سوادی و به‌ویژه همراهی با سپاهیان دانش، در سال ۱۳۴۷ طرح مشابهی به نام قانون خدمات اجتماعی زنان (مصوب ۱۳۴۷) به تصویب رسید و بر طبق ماده این قانون، زنان تحصیل کرده به صورت رسمی مؤظف بودند در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی کشور مشارکت کنند و بخشی از برنامه‌های سوادآموزی و پیکار با بی‌سوادی بر عهده آنها گزارده شد.^۲

علاوه بر این، دستگاه تبلیغاتی حکومت پهلوی برای جذب عموم مردم به مشارکت در این نهضت اقدام به مفهوم‌پردازی پیرامون آن به‌عنوان یک «جهاد ملی» و «امری مقدس» نمود و مشارکت در آن را یک «وظیفه دینی و ملی» بیان داشت. حسین بهشتی معاون وقت آموزش و پرورش استان فارس در نامه‌ای به حبیب یغمایی مدیر مجله یغما، ضمن تأکید بر لزوم بسیج عمومی برای پیکار با بی‌سوادی، بر لزوم مشارکت زنان در این برنامه صحنه گذارد و این مسئولیت را چنین تشریح نمود: «برنامه پیکار با بی‌سوادی بسیار سنگین و مستلزم فداکاری و کوشش فوق‌العاده است و این کار باید به صورت یک جهاد عمومی درآید و هر ایرانی مکلف و مجبور باشد به نحوی خویشتن را زیر این بار سنگین قرار دهد. هرگز یک سازمان یا یک وزارتخانه یا یک دسته هر قدر فداکار و مجهز باشد و امکانات نامحدود داشته باشد در حالی که دیگران خود را غیرمسئول و بی‌تفاوت و برکنار نشان دهند قادر نیست این بار را به منزل برساند. این جهاد و این پیکار باید همگانی باشد و مغز و اندیشه و پول و انرژی همه مردم ایران بسیج گردد. دختران و بانوان تحصیل کرده در این پیکار باید سهم بیشتری داشته باشند. همچنان زنان که معتقد به حقوق مساوی بامردان هستند باید تکالیف مساوی بامردان را هم تعهد و تقبل کنند. حق و وظیفه در کنار هم قرار دارند».^۳ بر این اساس، تمامی افراد جامعه و به‌ویژه کانون و انجمن‌های صنفی نیز می‌بایست در راستای همکاری با این طرح جمعی اعضای خود را به‌منظور سوادآموزی به کار می‌گرفتند. مشارکت جمعی در این حرکت، بیش از هر چیز از وقوف جامعه به نقش سوادآموزی در توسعه کشور ناشی می‌شد. فضل‌الله صفا در مجله آموزش و پرورش در این‌باره چنین گفته است: «اگر مردم ایران از هر طبقه‌ای اعم از فرهنگی و غیر فرهنگی به دعوت و فداکاری‌هایی که از آنان خواسته می‌شود با دل و جان پاسخ می‌گویند جز آن نیست که به عمق و اثر این تحولات تاریخی و اجتماعی و نتایج شگرف آن پی برده‌اند می‌دانند وقتی ریشه جهل و بی‌سوادی خشکید و عواقب شوم و زیان‌بخش آن دیگر گریبان‌گیر جامعه نشد زمینه برای هر گونه پیشرفت و تحولی آماده خواهد بود و آن وقت اندیشه‌های خلاقه و سازنده راه را برای هر گونه سازندگی و نوآوری

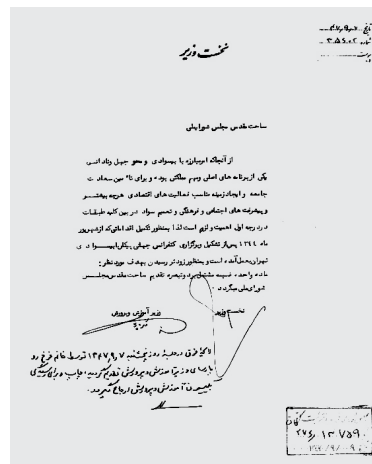
۱. مؤمنی و دیگران، ص ۵.

۲. مجلس شورای ملی، مصوبات مجلس شورای ملی، دوره ۲۲، ج ۴، (تهران: مجلس شورای ملی، ۱۳۴۷)، ص ۱۹۷۰.

۳. حسین بهشتی، «پیکار با بی‌سوادی»، مجله یغما، ش ۲۲۵، فروردین ۱۳۴۶، ص ۴۸.

هموار و مستعد خواهد ساخت»^۱.

از آنجا که پیکار با بی‌سوادی یکی از برنامه‌های اصلی و مهم کشور بود و به‌منظور تأمین سعادت جامعه و ایجاد زمینه مناسب فعالیت‌های اقتصادی هر چه بیشتر و پیشرفت‌های اجتماعی و فرهنگی و تعمیم سواد در بین کلیه طبقات در درجه اول اهمیت و لزوم قرار داشت، در راستای تکمیل اقداماتی که از شهریور ماه ۱۳۴۴ پس از تشکیل و برگزاری کنفرانس جهانی پیکار با بی‌سوادی در تهران به عمل آمده بود؛ در تاریخ ۷ آذر ماه ۱۳۴۷، وزیر وقت آموزش و پرورش به نمایندگی از دولت هویدا «لایحه پیکار با بی‌سوادی به‌عنوان وظیفه ملی» را تقدیم مجلس بیست و دوم شورای ملی نمود.^۲



متن این ماده واحده بدین شرح بود:

«ماده واحده: از تاریخ تصویب این قانون پیکار با بی‌سوادی به‌عنوان وظیفه ملی و اجباری هر فرد ایرانی مشمول مقررات این قانون و آیین‌نامه‌های اجرایی آن اعلام می‌شود. کلیه افراد ایرانی مشمول این قانون اعم از با سواد و بی‌سواد موظف به شرکت در این وظیفه ملی می‌باشند. با سوادان موظفند خواندن و نوشتن و حساب کردن را بر طبق برنامه خاص و در مدت معین به عده‌ای از بی‌سوادان تعلیم دهند و بی‌سوادان موظفند خواندن و نوشتن و حساب کردن را بر طبق برنامه کمیته ملی تا انقضای مهلتی که تعیین خواهد شد بیاموزند.

■ **تبصره ۱.** آیین‌نامه اجرایی این قانون به‌منظور تعیین شرایط افرادی که مشمول این قانون خواهند شد و نحوه اجرا و تعیین حدود و وظایف سازمان‌های مسئول و غیره از طرف کمیته ملی پیکار با بی‌سوادی تنظیم و با تأیید هیئت دولت برای تصویب کمیسیون‌های مربوط دو مجلس تقدیم خواهد شد و پس از تصویب کمیسیون‌ها قابل اجراست.

۱. فضل‌الله صفا، «نهضت مقدس پیکار با بی‌سوادی و وظیفه معلمان»، آموزش و پرورش، دوره ۳۶، ش ۵، مهر ۱۳۴۵، ص ۵.
۲. مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۵۰/۱/۳۱، سند شماره ۲۴/۲۲۰/۰۳.

■ تبصره ۲. مقررات اجرایی این قانون باید به طریقی تنظیم شود که بر اثر آن تا حد اکثر ده سال

از این تاریخ کلیه ایرانیانی که کمتر از چهل سال دارند از فواید و مزایای سواد بهره‌مند شوند.^۱

کمیسیون آموزش و پرورش نیز در جلسه ۱۲ آذر ۱۳۴۷ لایحه مذکور را مورد بررسی قرار داد و دکتر بطحائی معاون وقت وزارت آموزش و پرورش پس از استماع بیانات جمعی از نمایندگان عضو کمیسیون با توجه به مشکلات و مسائل موجود به منظور مطالعه بیشتر و تنظیم طرحی جامع‌تر این لایحه را از مجلس مسترد داشت.^۲

با این حال، علی‌رغم آنکه هدف برنامه پیکار با بی‌سوادی رساندن تعداد باسوادان بزرگسال به ۴/۰۰۵/۰۰۰ نفر بود؛ طبق آمار رسمی تا ۱۳۴۹ تنها ۱/۰۰۰/۰۰۰ نفر در کلاس‌ها شرکت کردند و تنها ۴۵۰/۰۰۰ نفرشان دوره پیشرفت‌ها را به پایان رساندند.^۳ بر همین اساس بود که صنعتی‌زاده نخستین مدیرعامل کمیته ملی پیکار جهانی با بی‌سوادی، این مبارزه را مطلوب ارزیابی نکرد و اظهار داشت: «در هر کاری که کردم موفق شدم به جز در مبارزه با بی‌سوادی». و حتی پس از مدتی تلاش در این حوزه، باسواد کردن بزرگسالان را کاری بیهوده قلمداد نمود. زیرا سوادآموزان، «بعد از مدتی آنچه را آموخته‌اند فراموش می‌کنند. تازه بچه‌های این بزرگسالان، توی کوچه ول می‌گردند و به مدرسه نمی‌روند. بنابراین راه این نیست که به جنگ بی‌سوادی بزرگسالان برویم، راه این است که شرایطی فراهم کنیم تا همه بچه‌ها به مدرسه بروند تا بعد از گذشت یکی دو نسل، دیگر بی‌سواد نداشته باشیم. حدود یک سال و نیم شب و روز مرا گرفت. تمام کلاس‌ها را تک‌تک سرکشی می‌کردم. منطقه را تقسیم کرده بودم. سرپرست گذاشته بودم. حدود هزار تا معلم تربیت کرده بودم. خیلی خرج این کارها شده بود. اما نتیجه صفر!» وی معیار این سنجش نتیجه ولو اغراق‌آمیز را عدم افزایش تعداد نامه‌های ارسالی در اداره پست قزوین نسبت به پیش از اجرای این طرح آزمایشی می‌داند. هر چند که وی در ناامیدی به این نتیجه‌گیری اغراق‌آمیز می‌رسد.^۴

با این حال، چند ماه پس از آخرین جلسه سلسله نشست‌های همکاری مشورتی برای سوادآموزی، در مهر ماه ۱۳۵۲، گروه تحقیقاتی طرح سوادآموزی تابعی وابسته به سازمان زنان ایران با مشارکت میشل ورون - کارشناس یونسکو -، فریده مشایخ، شیدا روستایی، هدیه مشایخ، رحمان نوری و مینو میرزاده به‌منظور رسیدن به شناخت دقیق و جامع مشخصات و نیازمندی‌های گروهی از زنان روستایی ایران، تهیه و تنظیم الگو و روش‌های مطلوب آموزشی و کارآموزی، آزمودن الگو و روش‌های سوادآموزی در مورد گروهی از زنان روستایی و تعمیم و گسترش آن در کشور تشکیل شد.^۵

همچنین، در ادامه روند سابق در برنامه پنجم عمرانی کشور نیز فصل ویژه‌ای به

۱. مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۴۷/۹/۷، سند شماره ۲۴/۲۲۰/۰/۳.

۲. مؤمنی و دیگران، ص ۵.

۳. احمد قاسمی و مهرانگیز نوری، مبارزه با بی‌سوادی در پنجاه سال حکومت پهلوی، (تهران: بینا، ۱۳۵۵)، ص ۷۵.

۴. علی‌زاد، همان.

۵. حمیرا رنجبر عمرانی، سازمان زنان ایران، (تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۵)، ص ۱۲۰-۱۱۹.

در آخرین
سال‌های برنامه
عمرانی پنجم
کشور،
دوران خوش‌بینی
مفرطی که گمان
می‌کرد ریشه‌کن
ساختن بی‌سوادی
در میان
جمعیت فعال
طی مدت ۱۰-۱۲
سال ممکن است،
خاتمه یافت

سوادموزی و آموزش بزرگسالان اختصاص داده شد و علاوه بر اهداف گذشته، بر آموزش حرفه‌ای، تهیه و توزیع نشریات در روستاها و شهرها، ترویج کتابخوانی، ایجاد یک مرکز پژوهشی مجهز به‌منظور بررسی و حل مسایل و مشکلات آموزش بزرگسالان و همکاری وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مختلف برای ایجاد هماهنگی در روند توسعه سوادموزی و آموزش‌های حرفه‌ای و آموزش‌های اجتماعی تأکید رفت.

بر این اساس، کمیته ملی پیکار جهانی با بی‌سوادی و سپاه دانش مؤظف به فعالیت در زمینه سوادموزی و آموزش پایه، سپاه بهداشت و سپاه ترویج و آبادانی مؤظف به فعالیت در زمینه عمران روستایی، وزارت آموزش و پرورش مکلف به فعالیت در زمینه سوادموزی از طریق برگزاری دوره‌های مکاتبه‌ای و تکمیلی برای بزرگسالان و نوجوانان که به مدرسه نمی‌روند، وزارت کشاورزی، مکلف به برگزاری دوره‌های کوتاه مدت فنی و کشاورزی، وزارت تعاون و امور روستاها مسئول آموزش کارکنان خانه‌های فرهنگ روستایی و شرکت‌های تعاونی روستایی، وزارت کار و امور اجتماعی مکلف به آموزش کارگران و سرکارگران، وزارت بهداشت و بهزیستی مکلف به فعالیت در زمینه آموزش پیشگیری از بیماری‌ها و تنظیم خانواده، سازمان زنان ایران مکلف به تربیت کادر لازم برای مراکز رفاه خانواده، سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران نیز مکلف به آموزش از طریق ابزار رسانه جمعی شد. همچنین، سازمان‌های مختلف دولتی دیگر و واحدهای خصوصی در حوزه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی مکلف به مشارکت در برنامه‌های پیشبرد سوادموزی و آموزش بزرگسالان در زمینه‌های صنعت، خدمات و کشاورزی شدند.^۱

در آخرین سال‌های برنامه عمرانی پنجم کشور، دوران خوش‌بینی مفرطی که گمان می‌کرد ریشه‌کن ساختن بی‌سوادی در میان جمعیت فعال طی مدت ۱۰-۱۲ سال ممکن است، خاتمه یافت. متأثر از رشد جمعیت در کشور، افزایش تعداد مطلق بی‌سوادان در کشور به نحوی بود که هر سال حداقل بیش از ۱۰۰/۰۰۰ کودک واجب‌التعلیم به آموزش ابتدایی راه نمی‌یافتند و حداقل بیش از ۵۰٪ از دانش‌آموزان پیش از پایان دوره پنج ساله ابتدایی تحصیل را رها می‌کردند و گروهی از آنها به حالت بی‌سوادی باز می‌گشتند. کمبود نیروی انسانی مشارکت‌کننده در زمینه پیکار با بی‌سوادی سالانه تشدید می‌شد و فضای بی‌سوادی و کم‌سوادی در روستاهای کشور همچنان حاکم بود.^۲

علاوه بر این، در هشتمین کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی رامسر (۱۳-۸ شهریور ۱۳۵۴) بر «دامه پیکار با بی‌سوادی با کوششی هر چه بیشتر از راه یک جهاد ملی به‌عنوان شرط لازم و ضروری برای رسیدن به دوران تمدن بزرگ» تأکید ورزیده شد^۳ و پیکار با بی‌سوادی و آموزش عمومی، به‌عنوان یکی از سرفصل‌های قطعنامه این کنفرانس در مفاد سوم و ششم آن منظور گردید.

۱. همایون پور، ۱۳۵۸، صص ۹-۸.

۲. همان، ص ۱۱.

۳. «قطعنامه هشتمین کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی»، ماهنامه آموزش و پرورش، ش ۱۳۲، مهر ۱۳۵۴.

با این حال، وقوف به ناکارایی برنامه‌های موجود در ریشه‌کن ساختن مطلق بی‌سوادی در ایران تا حدود بسیاری نتیجه مباحث طرح شده در سمپوزیوم بین‌المللی در تخت جمشید (شهریور ۱۳۵۴/ سپتامبر ۱۹۷۵) بود.

طبق آماري که از سوی کمیته پیکار جهانی با بی‌سوادی تهیه شده بود، در سال ۱۳۵۴، ۷۲۴۶۳۸ نفر در ۲۶۰۰۰ کلاس شهری و روستایی این کمیته به سوآدآموزی پرداخته بودند. این آموزش‌ها زیر نظر ۹۲۵۹ کمیته محلی سوآدآموزی توسط ۲۰۹۷۸ آموزشیار زن و مرد صورت پذیرفته بود.

در پی تصویب قانون تغذیه رایگان برای کودکان خردسال در مدارس و تغذیه رایگان برای شیرخوارگان تا دو سالگی همراه با مادران، (مصوب ۱۳۵۵) نیز کمیته ملی پیکار با بی‌سوادی اقدام به توزیع ارزاق میان نوآموزان این سازمان در مدارس تحت پوشش خود نمود.^۱

علاوه بر این، به واسطه اینکه جهاد ملی سوآدآموزی یک وظیفه ملی مبنی بر مشارکت در امر سوآدآموزی را به افراد کشور تکلیف می‌کرد، بر بنیان آیین‌نامه اجرایی تبصره ۱۹ قانون بودجه سال ۱۳۵۵ و تبصره ۴۵ قانون بودجه سال ۱۳۵۶ نمایندگان مجلس شورای ملی نیز موظف بودند تا از محل اعتباراتی که در اختیار داشتند با حمایت مداوم و تقویت مالی این نهضت به تعقیب پیشبرد و گسترش فعالیت‌های جهاد ملی سوآدآموزی در حوزه‌های نمایندگی خود به‌ویژه در سطح روستاها بپردازند.^۲

تشکیل کتابخانه‌های روستایی به‌عنوان مهم‌ترین مراکزی که می‌توانستند میان واحدهای آموزشی، واحدهای صنعتی و افراد داوطلب آموزش ارتباط مؤثری برقرار کنند و به صورت مراکز آموزشی فعال و بانک‌های اطلاعاتی کارآمد در اختیار نوسوادان و کم‌سوادان قرار گیرند.^۳ از دیگر برنامه‌های کمیته برای پی‌گیری روند سوآدآموزی و جلوگیری از عدم بازگشت نوسوادان به بی‌سوادی بود. علاوه بر کتابخانه‌های ثابت در روستاها، کتابخانه‌های سیار نیز به صورت محدود به ارائه خدمات به سوآدآموزان می‌پرداختند.^۴

در طول ایام فعالیت کمیته ملی پیکار جهانی با بی‌سوادی در ایران، این سازمان به‌منظور مطالعه و برنامه‌ریزی برای پیشبرد فعالیت‌ها و انجام وظایف خود از گروهی از مشاوران فعال در زمینه جامعه‌شناسی، آموزش و پرورش و روان‌شناسی نیز بهره می‌گرفت.

علاوه بر این، از آنجا که دربار در رأس مسئولیت‌های اجرایی این کمیته قرار داشت، این سازمان از ابتدای تشکیل با دیگر سازمان‌های اجتماعی وابسته به دربار نظیر سازمان خدمات اجتماعی و سازمان زنان ایران پیوستگی و همکاری بسیار داشت و گذشته از بهره‌گیری از همکاری این سازمان‌ها برای تشکیل کمیته‌های محلی و پیشبرد برنامه‌های سوآدآموزی

۱. مرکز اسناد ملی ایران، سند به شماره ۲۹۳/۱۲۷۳۲۶.

۲. مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۵۶/۴/۲۸، سند شماره ۲۴/۲۲۰/۰/۳ و همان، ۱۳۵۶/۵/۵، سند شماره ۲۴/۲۲۰/۰/۳.

۳. نوشافزین انصاری، «تشکیل کتابخانه در روستا»، کتاب و کتابداری: مجموعه مقالات، (تهران: توس، ۱۳۵۴).

۴. داریوش حقیقی‌طلب، «کتابخانه‌های سیار روستایی»، نامه انجمن کتابداران ایران، س. ۷، ش. ۳، پاییز ۱۳۵۳، صص ۳۱۷-۲۸۶.

در شهرستان‌ها و روستاها، با مساعدت‌های اجرایی و مالی این سازمان‌ها اقدام به برگزاری همایش‌ها و نشست‌های علمی در زمینه پیکار با بی سوادی می‌کرد.^۱ از دیگر سازمان‌هایی که کمیته ملی پیکار با بی سوادی با آن همکاری مؤثری داشت، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بود که کمیته در سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۵۶ به درخواست این کانون بخشی از کتاب‌های موردنیاز آن را تأمین می‌نمود و به منظور آموزش معلمان این کانون در نواحی شهری و روستایی بودجه ویژه‌ای تخصیص می‌داد.^۲ همچنین، کمیته به منظور جذب مشارکت عمومی در فعالیت‌های این سازمان برگزاری سلسله سمینارهایی با موضوع همکاری جوانان در کارهای گروهی در دستور کار خود قرار داد تا به سنجش راهکارهایی بپردازد که از طریق آنها بتواند تعامل جمعی میان جوانان مشارکت‌کننده در این طرح را افزایش دهد و امکان همکاری حداکثری این گروه سنی را در زمینه آموزش و مددکاری و ایجاد جاذبه و پویایی در برنامه‌های سوادآموزی و پیکار با بی سوادی فراهم سازد.^۳

۳. برنامه‌های ملی و بین‌المللی به منظور تجلیل از سوادآموزی و پیکار با بی سوادی

علاوه بر اقدامات پیش‌گفته، کمیته ملی پیکار جهانی که سعی داشت این نهضت را به‌عنوان یک «جهاد مقدس» برای خروج از «جهل» جلوه دهد، به منظور تشویق جامعه برای مشارکت در پیشبرد برنامه‌های این کمیته و نیز با هدف آگاهی از دیدگاه‌ها و نوآوری‌های دولت‌های دیگر در زمینه پیکار با بی سوادی و تعامل و انتقال هر چه بیشتر اطلاعات و تجربه‌های دولت‌ها در عرصه بین‌المللی، کمیته ملی پیکار جهانی با بی سوادی اقدام به برگزاری برخی برنامه‌های ویژه برای تجلیل از پیکار با بی سوادی و سوادآموزی در سطح ملی و بین‌المللی می‌نمود. مهم‌ترین این اقدامات عبارت بودند از:

الف) بزرگداشت روز پیکار جهانی با بی سوادی به صورت سالیانه در ۱۷ شهریور ماه هر سال و بزرگداشت هفته پیکار با بی سوادی از سال ۱۳۴۰.^۴

ب) اعطای جایزه ویژه برای سوادآموزی به ارزش ۵۰۰۰ دلار آمریکا به افرادی که در امر سوادآموزی کارهای ارزنده‌ای به انجام رسانده بودند یا افرادی که در اجرای برنامه‌های ملی و محلی موفقیتی به دست آورده بودند و یا افرادی که ابزار کار آموزشی و یا ابزار ویژه برای پیکار با بی سوادی فراهم ساخته و یا در کارهای پژوهشی مانند زبان‌شناسی، بهبود روش‌ها، ارزشیابی و غیره انجام داده بودند که در رشد و پیشرفت کشور در سطح ملی و یا محلی می‌توانست کارساز باشد.

۱. کتابخانه و مرکز اسناد ملی جمهوری اسلامی ایران، «سمینار پیکار با بی سوادی»، (تهران: سازمان خدمات اجتماعی، بیتا)، عکس به شماره ۳۱۱/۲۱۶۱.

۲. مرکز اسناد ملی ایران، سند به شماره ۲۹۷/۴۶۵۴۴.

۳. مرکز اسناد ملی ایران، سند به شماره ۲۹۷/۵۰۶۸۲.

۴. «شهرهای قهرمان در سال ۱۳۴۸-۱۳۴۷: آبادان و نیشابور شهرهای قهرمان شدند»، روز نو، ش ۲۲، شهریور ۱۳۴۸، ص ۲.



ج) اعطای نشان درجه دو کمیته پیکار جهانی با بی‌سوادی به پاس خدمتگزاری و لیاقت به افرادی که در عرصه ملی در زمینه سوادآموزی و پیکار با بی‌سوادی فعالیت‌های ارزنده‌ای کرده بودند.^۱

د) انتشار تمبرهای پستی یادمان برنامه‌های پیکار با بی‌سوادی به مناسبت سالروز کنگره تهران و تخت جمشید و روز جهانی سوادآموزی.

۴. بررسی انتقادی عملکرد کمیته ملی پیکار جهانی با بی‌سوادی و عوامل منتج به آغاز طرح جهاد ملی سوادآموزی

علی‌رغم تمام این تلاش‌ها، میزان باسوادی جمعیت شش ساله و بالاتر کشور در سال‌های ۱۳۳۵، ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ به ترتیب ۱۵، ۲۸ و ۴۱٫۷٪ بود و عواملی چند باعث شده بود، تا روند سوادآموزی در ایران را در خلال سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۳۵ با مشکلاتی مواجه کند که در عمل موجب گشت تا برنامه پیکار با بی‌سوادی به آنچه حد مطلوب باسوادی در ایران می‌دانست، نرسد. این عوامل در یک دسته‌بندی کلی عبارت بودند از:

الف) عوامل برون سیستمی نظیر وسعت کشور و پراکندگی جمعیت، کثرت روستاهای کم جمعیت، فقر و کمبود درآمد روستاییان، کوچ‌نشینی عشایر، کمبود نیروی انسانی کارآموده، تفاوت فاحش زندگی در شهر و روستا، وجود روحیه قضا و قدری و اعتقاد به خرافات، تمرکز فعالیت‌ها و خدمات رفاهی و درمانی در شهرها و وجود جو اختناق و استبداد که باعث عدم مشارکت بخش کثیری از مردم در این برنامه‌ها می‌شد؛^۲

ب) عوامل درون سیستمی نظیر عدم انطباق اهداف با ویژگی‌های اعتقادی و فرهنگی جامعه، وجود فساد و تشریفات بی‌مورد اداری، عدم توجه لازم به گسترش تعلیمات ابتدایی، عدم توجه لازم به باسواد ساختن زنان و دختران،^۳ بی‌اعتنایی به

۱. رضا فراستی، «آشنایی با احکام خاندان پهلوی»، تاریخ معاصر ایران، س ۹، ش ۳۶، زمستان ۱۳۸۴، صص ۲۷۲-۲۷۱.

۲. نهضت سوادآموزی، همان.

۳. از جمله علل شکست این برنامه در زمینه سوادآموزی زنان در ایران طی این بازه زمانی می‌توان به نبود زیربنای مطلوب اقتصادی و اجتماعی در حوزه عملیات طرح، نبود و یا کمبود سازمان‌های آموزشی و پرورشی، مانند دبستان، آموزشگاه حرفه‌ای و دیگر سازمان‌های فرهنگی به میزان کافی، کمبود مربی، آموزگار و دیگر مسئولان اجرایی آشنا با فلسفه سوادآموزی تابعی، کمبود آمار و اطلاعات دقیق و جامع و درخور اعتماد درباره مشخصات و نیازمندی‌های جمعیت و مشکلات گردآوری و ارزیابی این اطلاعات، کمبود یا نارسایی وسایل ارتباطی میان حوزه عملیات طرح و گروه پژوهشی، عدم تجهیز گروه‌ها به لوازم چاپ و تکثیر واحدهای آموزشی و پوستره‌ها، دستگاه کپی و غیره، تخصیص زمان‌اندک برای بررسی مقدماتی، تدوین برنامه‌های درسی، ایجاد سازوکارهای اجرایی با توجه به امکانات انسانی و مالی و خدماتی گروه، مقررات و آیین‌نامه‌های مالی سازمان زنان ایران در زمینه پرداخت حق‌الزحمه، مخارج سفر، اضافه‌کار، هزینه چاپ و تکثیر مواد آموزشی، کندی در اتخاذ تصمیم و اجرای آن به دلیل استیلا کامل بروکراسی اداری، عدم تأمین هزینه‌های لازم برای اجرای طرح، کمبود کارشناسان با صلاحیت و تجربه برای تدوین واحدهای درسی به دلیل جدید بودن فنون تدوین واحدهای آموزشی متأثر از برنامه‌های بین‌المللی، عدم استخراج و تنظیم آمار و اطلاعات در چارچوب برنامه سوادآموزی تابعی و ارزیابی و اجرای پژوهش‌های ضروری، نبود یک مرکز اسناد و مدارک ضروری در دسترس گروه تحقیقاتی طرح سوادآموزی تابعی وابسته به سازمان زنان ایران، وجود گروه‌های ناهمگن در کلاس‌ها، کمبود دوره کارآموزی آموزگاران، عدم تأمین مسکن و محل زندگی مناسب برای آموزگاران غیر بومی، تشکیل ناهمگن کلاس‌ها و یا عدم رغبت آموزگاران و محصلان، مخالفت همسران زنان سوادآموز، اشتغال زنان روستایی (به ویژه به قالی‌بافی) و ناهمگنی زبان‌های محلی و بومیان منطقه با دروس و معلمان و در نتیجه افت تحصیلی نوسودان اشاره کرد. (رنجبر عمرانی، ۱۳۸۵، صص ۱۲۲-۱۲۱)



مشارکت مردم، نبود یک نظام هماهنگ نظارت، کنترل و ارزشیابی و عدم استفاده از طراحان آموزش ملی تحلیل کیفی سوادآموزی در ایران.

این عوامل منجر بدان شد تا با تغییرات تدریجی مواضع بین‌المللی در زمینه سوادآموزی و با آشکار شدن ناکارایی برنامه‌های موجود برای پیکار با بی سوادی در ایران، سازمان کمیته ملی پیکار با بی سوادی مورد تجدیدنظر قرار گیرد و برنامه‌ها و شیوه کار و فعالیت‌های پیکار با بی سوادی متحول و دگرگون گردد.^۱ به مرور، نابسامانی برنامه‌های سوادآموزی و پیکار با بی سوادی به وضوح خود را آشکار ساخت و ضرورت تغییر در مفاهیم و برنامه‌ها و نیز ایجاد سازمانی جدید مطرح گردید. بدین ترتیب، سازمان جدید کمیته پیکار جهانی با بی سوادی در سال ۱۳۵۵ به منظور تدوین اهداف و مفاهیم جدید و به کارگیری روش‌های مناسب سوادآموزی و پیکار با بی سوادی تشکیل یافت. این سازمان جدید کمیته ملی پیکار جهانی با بی سوادی می‌بایست با همکاری مرکز ملی آموزش بزرگسالان، اصلاحاتی بنیادی را در نظام سوادآموزی و آموزش بزرگسالان تحقق می‌بخشید.^۲ بدین ترتیب، طرح جدید با عنوان «جهاد ملی سوادآموزی»، در نخستین ماه‌های سال ۱۳۵۵ فعالیت خود را با تدوین مبانی نظری و سازمانی و اصول آموزشی و پرورشی جدید سوادآموزی آغاز کرد و تا سال ۱۳۵۷ به کار خود ادامه داد.^۳

مقرر شده بود تا در برنامه‌های این جهاد ملی، حد سوادآموزی از معیار گذشته یعنی آموزش خواندن، نوشتن و حساب کردن فراتر رود و ابعاد مختلف زندگی بزرگسالان را بر حسب اهداف و اولویت‌های اجتماعی و اقتصادی ملی و در عین حال نیازها و علایق مردم بر گیرد. هدف از این طرح آن بود که تا ۱۰ سال دیگر میزان بی سوادی در گروه سنی مورد عمل این برنامه را به ۱۵٪ کاهش داده شود که طبق بررسی‌های بین‌المللی حد مطلوب برای عدم قطعی بازگشت بی سوادی به یک جامعه است. بنابراین، چهار برنامه مجزا برای سوادآموزی ویژه گروه‌های سنی خردسالان، شهروندان، زنان روستایی و مردان روستایی در این برنامه به مورد اجرا گزارده شد.

۵. تحولات کمیته ملی پیکار جهانی با بی سوادی پس از انقلاب اسلامی (۱۳۵۸-۱۳۵۷)

جهاد ملی سوادآموزی به‌عنوان سازمان جدید کمیته ملی پیکار جهانی با بی سوادی که برنامه‌های نوین خود را از مهر ماه ۱۳۵۵ اجرا نمود، تا سال ۱۳۵۶ به صورت منظم و در ماه‌های نخست سال ۱۳۵۷ به صورت نامنظم به فعالیت خود ادامه داد. تا اینکه در پی گسترش تظاهرات مردمی علیه نظام استبدادی حاکم در نیمه دوم سال ۱۳۵۷، بخش

۱. همایون پور، ۱۳۵۸، ص ۱۱.

۲. همان، ص ۹۲.

۳. همان، ص ۱۲.

کثیری از پیکارگران نیز همانند دیگر گروه‌ها و اقشار جامعه به مشارکت در روند پیروزی انقلاب اسلامی پرداختند.^۱

به گفته هاشم صباغیان معاون مهدی بازرگان نخست وزیر موقت، با پیروزی انقلاب اسلامی، دکتر حریری به سرپرستی کمیته ملی پیکار با بی‌سوادی منصوب شد و با حذف بخش‌ها و شعبه‌های محلی کمیته پیکار با بی‌سوادی و مرخص ساختن افراد بازنشسته از خدمت، ساختمان‌های اضافی این کمیته تخلیه شد. بدین ترتیب، در سال ۱۳۵۸، در پی شرایط ویژه دولت پس از انقلاب اسلامی، کمیته ملی پیکار جهانی با بی‌سوادی با هدف صرفه‌جویی ماهیانه حدود ۱۵۵۸۵۵۷۸ ریال در بودجه برای دولت موقت منحل اعلام گردید.^۲ سازمان جهاد ملی سوادآموزی نیز به‌عنوان یک سازمان زیرمجموعه این کمیته تحت‌الشعاع رویدادهای این دوران قرار گرفت و به کلی تعطیل شد.

با این حال، روند سوادآموزی در این بازه زمانی به طور کامل متوقف نشد و مرکز ملی آموزش بزرگسالان مطالعات در این زمینه را ادامه داد و به تألیف کتاب‌هایی نظیر خواندنی‌های ساده برای نوسوادان پرداخت. مؤسسه علوم ارتباطی و توسعه ایران نیز در قالب پژوهشی زیرنظر پرویز همایون‌پور به بررسی تجربیات سوادآموزی در ایران در خلال سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۵۶ پرداخت و نتایج این پژوهش را در قالب انتشار کتابی با عنوان **۴۴ درس از تجربه سوادآموزی ایران در ۵۶-۱۳۵۵** به جامعه علمی کشور عرضه داشت. پس از گذشت تقریبی یک سال از تأسیس جمهوری اسلامی در ایران و با توجه به شکست‌ها و ضعف‌های سازمان‌های سوادآموزی گذشته و برنامه‌های اجرایی که از توفیق ناچیزی برخوردار بود، مطابق اعلام‌های رسمی هنوز ۷۰٪ جمعیت از افرادی که بالقوه می‌توانستند باسواد باشند از توانایی خواندن و نوشتن محروم بودند. از این رو، با توجه به نیازی که در پی تغییرات سیاسی اجتماعی و فرهنگی جامعه برای کسب آگاهی و افزایش سطح سواد و فرهنگ مردم احساس می‌شد^۳، در پی انحلال کمیته ملی پیکار جهانی با بی‌سوادی در سال ۱۳۵۸، در تاریخ ۷ دی‌ماه ۱۳۵۸، با صدور فرمان حضرت‌امام خمینی (ره) رهبر کبیر انقلاب اسلامی در زمینه بسیج عمومی برای ریشه‌کن کردن بی‌سوادی و گسترش تعلیم و تربیت به همه شهرها و روستاها و تأکید بر این که «همه کشور را به یک مدرسه تبدیل کنید»^۴، نهضت سوادآموزی شکل گرفت.^۵

۱. همان، ص ۹.

۲. «خاندان پهلوی ۲۲ میلیارد ریال به بانک‌ها بدهکارند»، <http://www.tarikhirani.ir/fa/news/All/bodyView/2227> (تاریخ دسترسی ۱۴ خرداد ۱۳۹۱). به نقل از کیهان، ۱۶ خرداد ۱۳۵۸.

۳. نهضت سوادآموزی، همان.

۴. موسوی خمینی، روح‌الله، صحیفه‌امام: مجموعه آثار امام خمینی (ره) (بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)، ج ۱۱، (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت‌امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹)، ص ۴۴۶ و مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، (بی‌تا)، «طرح نهضت سوادآموزی»، به نقل از مصوبات شورای انقلاب، دوره ۱، ج ۲، تاریخ تصویب: ۱۳۵۸/۱۱/۲۹.

<http://rc.majlis.ir/fa/law/show/99567>

۵. این سازمان به مدت سه سال به صورت شورایی اداره می‌شد تا اینکه در ۱۳۶۱ حجة‌الاسلام والمسلمین محسن قرائتی به نمایندگی از سوی حضرت‌امام خمینی (ره) در این سازمان منصوب گشت.

بر این اساس، طبق مصوبه شورای انقلاب در تاریخ ۲۹ بهمن ۱۳۵۸، سازمان نهضت سوادآموزی به‌عنوان نهاد مجری این طرح با هدف از بین بردن بی‌سوادی و رساندن میزان باسوادی در کشور به مرز ۹۰٪ جمعیت تا حداکثر سه سال پس از تشکیل این سازمان تأسیس یافت.

این سازمان که زیر نظر شورای مرکزی مشتمل بر نماینده شورای انقلاب^۱ به‌عنوان سرپرست نهضت^۲، نماینده وزیر آموزش و پرورش، نماینده بخش فرهنگی جهاد سازندگی مرکز، یک نفر روحانی متعهد و نماینده انجمن‌های اسلامی دانشجویان اداره می‌شد، موظف به تهیه کتاب، تشکیل کلاس‌های تربیت مربی، ایجاد کلاس‌های سوادآموزی و آموزش‌های دینی و اسلامی و تشویق بی‌سوادان به شرکت در این کلاس‌ها بود. نیروی انسانی لازم برای اداره نهضت سوادآموزی در درجه اول با همیاری مردم و همکاری افتخاری دانشجویان، دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه و همه کسانی که به تشخیص نمایندگی‌های نهضت در استان و شهرستان‌ها، از عهده اداره کلاس‌ها سوادآموزی برمی‌آمدند، تأمین می‌شد. در درجه دوم نیز از طریق پرداخت حق‌الزحمه به افراد صالح که آماده همکاری بودند و برای تأمین هزینه زندگی نیاز به این کمک داشتند، نیروی لازم برای سوادآموزی فراهم می‌گردید،^۳ که در مقاله بعدی به طور کامل به بررسی عملکرد نهضت سوادآموزی خواهیم پرداخت.

نتیجه‌گیری

در دوره پهلوی دوم، به تبعیت از برنامه‌های تجویزی یونسکو به‌منظور گسترش سوادآموزی در کشورهای در حال توسعه از دهه ۱۹۶۰، از آنجا که حاکمیت می‌کوشید چهره‌ای مترقی از حکومت به جهانیان عرضه دارد، توجه به مسئله سوادآموزی پرتویی از تصمیم و اراده حاکمیت عنوان می‌شد و تشکیل کمیته ملی پیکار جهانی با بی‌سوادی (۱۳۴۳) به ریاست محمدرضا پهلوی به‌منظور جلب مشارکت تمامی نهادها و قوا برای پیکار با بی‌سوادی، برگزاری کنگره وزیران آموزش و پرورش جهان برای سوادآموزی در تهران (۱۳۴۴)، تشکیل کمیته همکاری مشورتی برای سوادآموزی (۱۳۴۴)، اعطای جایزه ویژه به فعالان این عرصه، تخصیص یک روز بودجه نظامی کشور برای مبارزه با بی‌سوادی در سطح بین‌الملل و برگزاری سمپوزیوم تخت‌جمشید (۱۳۵۴) تلاشی در همین راستا بود. علاوه بر این، مشارکت فعال دولت در کنگره‌های بین‌المللی سوادآموزی و نیز توجه به پیشبرد برنامه‌های سوادآموزی و پیکار با بی‌سوادی در برنامه‌های عمرانی سوم، چهارم و

۱. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، همان.

۲. به موجب قانون راجع به تفویض اختیار نماینده شورای انقلاب به نماینده وزیر آموزش و پرورش در شورای مرکزی نهضت سوادآموزی مصوب ۱۳۶۱/۱/۲۲ از تاریخ تصویب این قانون تا تصویب اساسنامه جدید نهضت سوادآموزی، کلیه اختیارات نماینده منتخب شورای انقلاب به نماینده منتخب وزیر آموزش و پرورش محول شد و این نماینده به‌عنوان معاون وزیر آموزش و پرورش و سرپرست نهضت سوادآموزی انجام وظیفه نمود.

۳. همان.

پنجم کشور از وقوف حکومت به نقش سوادآموزی در روند رشد و توسعه کشور ناشی می‌شد و بر همین اساس، دولت می‌کوشید تا در برنامه‌ها و نظام تبلیغاتی خود از این برنامه با عنوان یک «جهاد مقدس» یاد کند و مشارکت در آن را یک «وظیفه ملی» برشمارد.

بدین ترتیب، کمیته ملی پیکار با بی‌سوادی در طول ایام فعالیت خود (۱۳۴۳-۱۳۵۷) کوشید تا با برگزاری کلاس‌های سوادآموزی برای بی‌سوادان و نوسوادان، آموزش و پرورش آموزگاران، تهیه کتاب‌های درسی و غیردرسی برای سوادآموزان و نوسوادان، برگزاری همایش‌ها و نشست‌های علمی ملی و بین‌المللی در زمینه سوادآموزی و پیکار با بی‌سوادی، جلب مشارکت عمومی در امر سوادآموزی و به‌ویژه بهره گرفتن از همکاری وزارتخانه‌ها و سازمان‌هایی چون سازمان خدمات اجتماعی، سازمان زنان ایران و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و... و تعامل و همکاری گسترده با مشاوران یونسکو به پیشبرد برنامه‌های خود در سطح کشور بپردازد.

با این حال، در پی ناکارایی برنامه‌های این کمیته برای ریشه‌کن ساختن مطلق بی‌سوادی در ایران، ساختار، اهداف و برنامه‌های این سازمان مورد تجدیدنظر جدی قرار گرفت و طرح جهاد ملی سوادآموزی از سال ۱۳۵۵ به مورد اجرا گذاشته شد. هر چند، این طرح نیز علی‌رغم ماهیت ملی آن و مطالعات گسترده‌ای که برای تدوین آن صورت گرفته بود، به واسطه تداخل وظایف ناشی از موازی‌کاری در دستگاه‌هایی که مجری این برنامه بودند، در مدت کوتاهی که از اجرای آن گذشت، نتوانست نتایج مورد انتظار اولیه را فراهم آورد و در پی فضای حاکم در ماه‌های آخر حکومت پهلوی، فعالیت آن متوقف و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سازمان نهضت سوادآموزی جایگزین کمیته ملی پیکار جهانی با بی‌سوادی شد، که شرح تأسیس و عملکرد آن در شماره‌های بعدی ارایه خواهد شد.

کتابنامه

- آموزش و پرورش، «خبرهای فرهنگی»، دوره سی و پنج، ش ۴، مهر ۱۳۴۴.
- آموزش و پرورش، «خبرها و پیشرفت‌ها»، ش ۱۱۴، بهمن ۱۳۴۸.
- بورس ماهانه، «به سال گذشته بازگردیم: وقایع مهم اقتصادی در سالی که گذشت...»، بورس ماهانه، دوره اول، ش ۳۲، ۱ فروردین ۱۳۴۵.
- بهشتی، حسین، «پیکار با بی سوادی»، مجله یغما، ش ۲۲۵، فروردین ۱۳۴۴.
- تاریخ ایرانی، «خاندان پهلوی ۲۲ میلیارد ریال به بانک‌ها بدهکارند»،
<http://www.tarikhirani.ir/fa/news/All/bodyView/2227> (تاریخ دسترسی ۱۴ خرداد ۱۳۹۱).
- رنجبر عمرانی، حمیرا. سازمان زنان ایران، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۵.
- روز نو، «شهرهای قهرمان در سال ۱۳۴۸-۱۳۴۷: آبادان و نیشابور شهرهای قهرمان شدند»، روز نو، ش ۲۲، شهریور ۱۳۴۸.
- روز نو، «آگهی برای نوسودان کشور»، روز نو، ش ۱۶۶، ۲ اسفند ۱۳۵۱.
- زمانپور، احمد و آذر شربیانی. فرهنگنامه، جلد هفدهم: ایران، زیر نظر رضا اقصی (تهران: کتاب‌های جیبی و امیر کبیر با همکاری فرانکلین، ۱۳۴۶)
- شفتی، عباس. بررسی وضع سوادآموزی در ایران، تهران: سازمان خدمات اجتماعی، ۱۳۵۵.
- صباغیان، زهرا. روش‌های سوادآموزی بزرگسالان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۴.
- صفا، فضل‌الله، «تهنئیت مقدس پیکار با بی سوادی و وظیفه معلمان»، آموزش و پرورش، دوره ۳۶، ش ۵، مهر ۱۳۴۵، علی‌نژاد، سیروس، «گزارش یک زندگی (گفتگو با همایون صنعتی‌زاده)»، مجله بخارا، ش ۶۷، (مهر-آبان ۱۳۸۷)، <http://bukharamag.com/1387.09.2718.html>.
- فراستی، رضا، «آشنایی با احکام خاندان پهلوی»، تاریخ معاصر ایران، س ۹، ش ۳۶، زمستان ۱۳۸۴.
- قاسمی، احمد. مبارزه با بی سوادی و آموزش بزرگسالان، تهران: امیر کبیر، ۱۳۵۵.
- قاسمی، احمد و مهرانگیز نوری. مبارزه با بی سوادی در پنجاه سال حکومت پهلوی، تهران: بینا، ۱۳۵۵.
- کتابخانه و مرکز اسناد ملی جمهوری اسلامی ایران، «سمینار پیکار با بی سوادی»، تهران: سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی، بینا، عکس به شماره، ۳۱۱/۱/۲۱۶۱.
- کمیته ملی پیکار جهانی با بی سوادی. تلاش پی گیر ایران در پیکار جهانی با بی سوادی، تهران: روابط عمومی کمیته ملی پیکار جهانی با بی سوادی، ۱۳۵۱.
- کمیته ملی پیکار جهانی با بی سوادی. پیکار با بی سوادی در ایران، تهران: کمیته ملی پیکار جهانی با بی سوادی، ۱۳۴۴.
- کمیته ملی پیکار جهانی با بی سوادی. سوادآموزی بزرگسالان، تهران: کمیته پیکار جهانی با بی سوادی، ۱۳۵۵.
- کمیته ملی پیکار جهانی با بی سوادی. سمپوزیوم بین‌المللی سوادآموزی در تخت جمشید (۱۲ تا ۱۷ شهریور ۱۳۵۴/۳ تا ۸ سپتامبر ۱۹۷۵)، ترجمه مسعود رضوی، تهران: کمیته ملی پیکار جهانی با بی سوادی، ۱۳۵۵.
- مجلس شورای ملی. مصوبات مجلس شورای ملی، دوره ۲۲، ج ۴، تهران: مجلس شورای ملی، ۱۳۴۷.
- مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۴۷/۹/۷، سند شماره ۲۴/۲۲۰/۰/۳.
- مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۵۰/۱/۳۱، سند شماره ۲۴/۲۲۰/۰/۳.
- مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۵۶/۳/۲۹، سند شماره ۲۴/۲۲۰/۰/۳.
- مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۵۶/۴/۲۸، سند شماره ۲۴/۲۲۰/۰/۳.

- مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۵۶/۵/۵، سند شماره ۲۴/۲۲۰/۰/۳.
- مرکز اسناد ملی ایران، سند به شماره ۲۹۳/۱۲۷۳۲۶.
- مرکز اسناد ملی ایران، سند به شماره ۲۹۷/۴۶۵۴۴.
- مرکز اسناد ملی ایران، سند به شماره ۲۹۷/۵۰۶۸۲.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، (بی‌تا)، «طرح نهضت سوادآموزی»، به نقل از مصوبات شورای انقلاب، دوره ۱، ج ۲، تاریخ تصویب: ۱۳۵۸/۱۱/۲۹، <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/99567>.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره بیست‌ویکم، جلسه ۱۳۶، ۱۷ دی ۱۳۴۳.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره بیست‌ویکم، جلسه ۲۶۴، ۲۲ اردیبهشت ۱۳۴۵.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره بیست‌وسوم، جلسه ۱۴۱، ۸ دی ۱۳۵۲.
- موسوی خمینی، روح‌الله. صحیفه نوز: مجموعه آثار حضرت امام خمینی(ره) (بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)، ج ۱۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی(ره)، ۱۳۸۹.
- مؤمنی و دیگران. روش‌های آموزش در کلاس‌های سوادآموزی حرفه‌ای، ج ۳، تهران: واحد سوادآموزی حرفه‌ای آموزش و پرورش، ۱۳۵۵.
- نفیسی، عبدالحسین و حسین عبداللهی، «بازنگری تجربه برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش در ایران (فتون و شیوه‌های برنامه‌ریزی تجربه سال‌های ۱۳۲۷-۱۳۷۸)»، فصلنامه تعلیم و تربیت، س ۳۶، ش ۶۴، زمستان ۱۳۷۹.
- نهضت سوادآموزی، «تاریخچه سوادآموزی در ایران»، Pdf تاریخچه - (بی‌تا). <http://www.lmoiran.ir/uploads/368>.
- همایون‌پور، پرویز. ۴۴ درس از تجربه سوادآموزی ایران در ۵۶-۱۳۵۵، تهران: پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران، ۱۳۵۸.
- همایون‌پور، پرویز. بیکار جهانی سوادآموزی به مناسبت سال جهانی سوادآموزی، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸.
- همایون‌پور، پرویز. گزارش نهایی طرح تجربی سوادآموزی تابعی در خدمت پیشرفت اجتماعی؛ اقتصادی زنان روستایی، تهران: سازمان زنان ایران، ۱۳۵۴.
- Unesco Secretariat, Literacy in the world since the 1965 Teheran Conference: shortcomings, achievements, tendencies, *A Turning Point for Literacy: Adult Education for Development, the Spirit and Declaration of Perspolis*, Edited by Leon Bataille, (New York: Pergamon Press, 1976).
- United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization. *International Consultative Laison Committee for Literacy, First Session, Tehran, 5-9 June 1967, Final Report*, Paris: United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization, 18 July 1967.
- United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization. *International Consultative Laison Committee for Literacy, Fourth Session, Tehran, 6-9 December 1973, Final Report*, Paris: United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization, 29 March 1974.
- United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization. *International Consultative Laison Committee for Literacy, Second Session, Paris, 3-6 September 1968, Final Report*, Paris: United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization, 27 December 1968.
- United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization. *International Consultative Laison Committee for Literacy, Third Session, Paris, 27-30 March 1972, Final Report*, Paris: United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization, 30 June 1972.